

کالبد شکافی توافقنامه ژنو

این توافقنامه در تاریخ ۳ آذر ۱۳۹۲ مطابق با ۲۴ نوامبر ۲۰۱۳ در ژنو میان ایران- به ریاست آقای ظریف (وزیر امور خارجه دولت آقای روحانی) به همراه آقایان عراقچی و روانچی- و کشورهای ۵+۱ (آمریکا، روسیه، چین و سه کشور اروپایی آلمان، فرانسه و انگلستان) به ریاست خانم اشتون- نماینده اتحادیه اروپا- منعقد گردید.

توافقنامه ژنو مرکب از ۵ بخش است: مقدمه، گام اول، گام میانی، گام آخر و نتیجه نهایی.

۱- توضیحاتی درباره برخی از بندهای مقدمه:

۱- در این مقدمه ایران به عنوان یک کشور با وضعیت ویژه تلقی شده که باید به وضعیت آن رسیدگی شود، به عبارت دیگر، پذیرفته ایم وضعیت هسته ای ایران موجب نگرانی هایی برای جامعه جهانی در گذشته و حال شده است که باید برطرف شود.

۲- در جمله اول این مقدمه آورده است که هدف از مذاکرات آن است که «یقین» (ensure) پیدا کنیم که برنامه هسته ای ایران، منحصر «exclusively» صلح آمیز است. روشن است که دو قید بیان شده از قیود «کیفی» هستند و قابل تفسیرهای گوناگون. سوال این است که اولاً: آنها چگونه یقین پیدا می کنند که برنامه هسته ای ایران صلح آمیز است؟ آیا نمی توانند هر زمان ادعا کنند که ما هنوز یقین پیدا نکردیم که برنامه هسته ای ایران صلح آمیز است؟ ثانیاً: مراد از قید «منحصراً» چیست؟ در چه صورتی این انحصار فهمیده می شود؟ اگر ایران چند درصد غنی سازی داشته باشد، این انحصار معلوم می شود؟ چگونه است که ژاپن دارای برنامه غنی سازی بیش از ۹۰٪ است اما برنامه هسته ای آن کشور منحصراً صلح آمیز است اما ایران اگر غنی سازی ۲۰٪ داشته باشد، برنامه هسته ای آن صلح آمیز نیست؟

۲- نکاتی در خصوص موارد مطرح شده در گام اول:

۱- مهمترین نکته ای که در این توافقنامه، آمریکا و سایر کشورهای زورگوی جهان بدست آورده اند، خارج کردن ایران از «نقطه گریز» و یا «نقطه جهش» است، به تصریح یکی از مسئولان آمریکا (جان کری یا اوباما) با این کار توانستیم امنیت اسرائیل را تامین کنیم.

براساس محاسبات هسته ای، هر کشوری که ۲۷۰ کیلو اورانیوم غنی شده ۲۰٪، ۱۰ تن اورانیوم غنی شده ۵٪ و ۲۰ هزار سانتریفیوژ داشته باشد، می تواند ظرف دو هفته به یک بمب اتمی اورانیومی ۲۵ کیلوگرمی با غنای ۹۵٪ دست پیدا کند. (به چنین حالتی نقطه گریز گفته می شود)

اگرچه ایران بدنبال سلاح هسته ای نیست، و فتوای مقام معظم رهبری در مورد حرمت تولید سلاح هسته ای و نگه داری آن برای ما از هر قرارداد بین المللی بالاتر است، اما داشتن مواد غنی شده فوق و نیز تعداد سانتریفیوژهای بیان شده می تواند دست برتر را به ایران داده و از حمله کشورهایی مانند اسرائیل به ایران جلوگیری کند. متأسفانه مذاکره کنندگان ایرانی تعهد کرده اند که تمام مواد غنی شده ۲۰٪ را از بین ببرند. از سوی دیگر، متعهد شده اند که بر ذخایر ۵٪ نیز نیافزاییم، یعنی نباید بر مقدار ۷ تن مواد غنی شده ۵٪ که داریم، هیچ مقدار دیگری افزوده شود. نیز هیچ مرکز دیگری برای غنی سازی ایجاد نگردد. از ناحیه سوم، مذاکره کنندگان ایرانی تعهد کرده اند هیچ سانتریفیوژ جدیدی تولید و نیز نصب نگردد و نیز سه چهارم فرود و تقریباً نیمی از سانتریفیوژهای نطنز باید تعطیل شوند. از سوی چهارم نیز مذاکره کنندگان ایرانی تعهد کرده اند که رآکتور اراک و نیز آب سنگین اراک به صورت تعلیق در آمده و از کار باز ایستد. از جهت پنجم هر گونه باز فرآوری و نیز تاسیساتی که توانایی بازفرآوری دارند، ممنوع شده است.

این امور از نکات مهمی بوده اند که ایران می توانست بر اساس آنها دست برتر را داشته باشد و حداکثر با قبول برخی از آنها لغو کل تحریمها به ویژه تحریم های سخت نفتی و بانکی را خواستار گردد. اما متأسفانه مذاکره کنندگان ایرانی همه این امور و امتیازاتی را که ملت بزرگ ایران با تحمل سالها رنج و سختی و با نثار خون شهدای گوناگون هسته ای بدست آورده بودند، به ثمن بخش فروخته اند. (در بیانیه توجیهی ای که سران آمریکا برای مردم خودشان در مورد تفاهنامه ژنو صادر کرده اند، در این مورد آمده است: امتیازاتی که ایران به عنوان بخشی از این قدم اولیه تعهد کرده است، شفافیت بیشتری فراهم می کند و امکان بازرسی های سرزده از برنامه هسته ای اش را ایجاد می نماید. در گذشته، نگرانی این بود که ایران از مذاکرات برای وقت کشی و پیشبرد برنامه اش استفاده می کند. اما این اقدامات کمک خواهد کرد وقتی برای رسیدن به یک توافق جامع بلند مدت مذاکره می کنیم، ایران نتواند از سپر مذاکرات برای پیشبرد برنامه هسته ای اش استفاده کند. در عوض، به عنوان بخشی از اقدامات اولیه، گروه ۵+۱ تحریم های ایران را به صورت محدود، موقت، هدفمند و قابل برگشت لغو خواهد کرد. این کاهش تحریم به گونه ای سازماندهی می شود که بخش عمده شبکه تحریم از جمله تحریم های کلیدی در بخش نفت، بانکی و مالی پابرجا بماند. گروه ۵+۱ با قاطعیت به اجرای این تحریم ها ادامه می دهد. اگر ایران نتواند به تعهدات خود عمل کند، ما لغو محدود را متوقف می کنیم و تحریم های جدید وضع خواهیم کرد.)

سوال جدی قابل تامل آن است که چرا آمریکا و کشورهای مستکبر غربی حاضر به مذاکره با ما در سالهای اخیر شده اند؟ چرا آنها تحریم ها را ادامه نداده تا ایران روزی -به زعم آنها- کاملاً تسلیم گردد؟ پاسخ آن است اگر آنها با زورگویی تمام از اهرم فشار تحریم استفاده می کردند، ایران نیز دارای اهرم فشار مختلفی بوده است، ایران دارای قدرت غنی سازی بالا، بیش از صدها کیلو مواد غنی شده ۲۰٪، دستیابی به تکنولوژی ساخت سانتریفیوژهای نسل های برتر، دستیابی به آب سنگین و نیز رآکتوری که با آب سنگین کار می کند، دستیابی به قدرت بازفرآوری و ... بوده است.

این امور کافی بوده است که آمریکا را به میز مذاکره بکشاند. اما متأسفانه علیرغم اینکه بیش از ۹۰٪ اهرم فشار آمریکا و طرف غربی -یعنی تحریم های اصلی نفتی و بانکی- به حال خود باقی است، ما در گام اول و گام دوم تقریباً همه امتیازات و اهرم های فشار خود را از دست داده ایم. از این رو، مذاکره کنندگان ایرانی کاملاً زمین بازی را به صورت یک طرفه به نفع کشورهای زورگو و مستکبر آماده کرده اند. (سران آمریکا در بیانیه توجیهی خود در مورد تفاهنامه ژنو به همین مسائل اشاره کرده

و آورده اند: «این قدم اول به خودی خود یک معامله بزرگ محسوب می شود. بدون این توافق مرحله ای، ایران هزاران سانتریفیوژ دیگر را به چرخش در می آورد و سانتریفیوژهای نسل جدید که زمان رسیدن به مرحله آستانه هسته ای را کوتاهتر می کنند، نصب می کرد. همچنین می توانست راکتور آب سنگین اراک را راه اندازی کند و ذخایر اورانیوم ۲۰ درصدی خود را افزایش دهد. اما در شرایطی که این توافق ایجاد کرده است، ایران نمی تواند هیچکدام از کارها را انجام دهد. افزون بر این، اگر توافق مرحله ای حاصل نمی شد، تحریم های بین المللی با خطر فروپاشی روبرو می شد زیرا ایران می توانست ادعا کند که در مذاکره جدی بوده اما غرب جدی نبوده است. در این صورت ما نمی توانستیم شرکای خود را به ادامه کار و اجرای تحریم متقاعد سازیم. حالا که توافق حاصل شده است، ما می توانیم برنامه ایران را متوقف کنیم و به عقب برانیم و به ایران یک گزینه بدهیم: به تعهدات خود عمل و برای رسیدن به معامله نهایی با حسن نیت مذاکره کند وگرنه جامعه جهانی با تحریم و فشار بیشتر پاسخ می دهد.»

۲- از سوی دیگر مذاکره کنندگان ایرانی حق نظارت بر معادن، تمام سایت های هسته ای ایران از جمله فردو، نطنز و اصفهان، راکتور و آب سنگین اراک، کارگاه های ساخت و مونتاژ سانتریفیوژها و چرخنده آنها (که ممکن است در کارگاههایی تولید شوند که ابزار نظامی در آنها تولید می شوند) را به صورت سرزده و نیز با اطلاع و بدون اطلاع را برای اژانس پذیرفته اند، نیز اطلاع یافتن آنها را از تمام برنامه ها و طراحی های هسته ای ایران، وجود ساختمانها در هر سایت هسته ای و سطح و گستره فعالیت های در حال انجام در آن سایتها را تعهد کرده اند.

براین اساس پیش بینی می شود -به دلیل اینکه دشمنان ما به پیروزی بزرگی دست یافته اند- هیچگاه این تفاهم نامه را نقض نخواهند کرد، و سخنان مغرضانه اسرائیل برای آن است که دست بالاتر را همیشه داشته باشند.

۳- راستی در مذاکرات بعدی که باید تحریم های سخت نفتی و بانکی را برطرف کنیم، آیا چیزی برای مذاکره داریم؟ به قول آقای روانچی، در مذاکره باید چیزی بدهیم و چیزی بگیریم، حال در مذاکره اصلی چه چیزی را باید بدهیم تا دشمنان ما تحریم های اصلی یعنی تحریم بانکی و نفتی را رفع کنند؟ آیا می خواهیم اصل فردو یا نطنز را نیز بدهیم؟ در پاسخ همین سوال آقای تخت روانچی -از مذاکره کنندگان تفاهم نامه ژنو- در جلسه فراکسیون اصولگرایان مجلس در بعد از ظهر تاریخ ۱۳۹۲/۹/۱۲ که برای همین موضوع تشکیل شده بود، بیان داشته اند که ما در انتهای کار برای مذاکره: ۱- ۷ تن مواد غنی شده ۳.۵٪ را داریم، ۲- اراک را داریم، ۳- فردو را داریم و ۴- پروتکل الحاقی را داریم!!!!!!

۴- اما آنچه که بدست آورده ایم، رفع تحریم های اصلی و سخت بانکی و نفتی نیست، بلکه به دو بخش وعده های نسبی و موارد نازل فعلی و نقدی تقسیم می شود، (در بیانیه توجیهی آمریکا در مورد تفاهمنامه ژنو در این مورد آمده است: در ازای این گامها از سوی ایران کشورهای ۵+۱ امتیازهایی محدود، موقت، هدفمند و قابل بازگشت به ایران ارائه خواهند داد و در عین حال بخش اعظم تحریم های ما، از جمله تحریم نفت، نظام مالی و بانکی در جای خود باقی خواهند ماند. اگر ایران نتواند به تعهدات خود عمل کند ما کاهش تحریمها را ملغی اعلام خواهیم کرد):

الف- اما وعده های نسبی: به ایران وعده داده شده است که اگر به تعهدات خود عمل کند، تحریم های جدیدی در آینده از سوی شورای امنیت سازمان ملل، اتحادیه اروپا و آمریکا وضع نمی شود.

ب- اما وعده های نقد: طرف غربی بیان کرده است (قابل توجه است که رقم های زیر در توافقمنامه ذکر نگردیده است بلکه بیرون از آن از سوی مسئولین آمریکایی در بیانیه توجیهی بیان شده است و اگر آنها نسبت به اعداد و ارقام بیان شده مشکل ایجاد کنند، طرف ایرانی نمی تواند اعتراض کند):

از ۱۰۰ میلیارد دلاری که به زور از ایران بلوکه شده است، تقریباً ۴.۲ میلیارد دلار را در طول ۶ ماه به صورت قسطی به ایران می شود، از فروش نفت ایران در طول ۶ ماه، ایران می تواند تنها به ۲۰٪ آن دسترسی داشته باشد، و با بخشی از بقیه پول نفت که به مقدار بلوکه شده های ایران افزوده می شود، می تواند خوراک، دارو و لوازم پزشکی تهیه کند، نیز با بخش دیگر آن بدهی خود را به سازمان ملل و نیز دانشگاه ها و کالج های خارجی پرداخت کند، نیز بخش خودروسازی، صادرات پتروشیمی و طلا و فلزات گرانبها آزاد می گردد، نیز تامین قطعات هواپیما از تحریم رها خواهند شد، و اروپا نیز می تواند سطح معاملات خود را با ایران به ۱ میلیون دلار ارتقا دهد. (این آمارها از سوی آقای عراقچی نیز در جلسه کمیسیون امنیت ملی مجلس در تاریخ ۱۳۹۲/۹/۵ بیان شده است).

(در بیانیه توجیهی آمریکا در مورد تفاهمنامه ژنو آمده در این مورد آمده است: در مرحله اول، ما به اجرای تحریم علیه ایران ادامه می دهیم و علیه کسانی که سعی می کنند تحریم ها را دور بزنند، اقدام خواهیم کرد؛ تحریم های مرتبط با فروش نفت خام ادامه می یابد؛ تحریم های مرتبط با صادرات محصولات پتروشیمی به ایران که موجب از دست رفتن میلیاردها دلار از درآمدهای ایران شده است، به قوت خود باقی می ماند؛ بخش عمده دارایی های ۱۰۰ میلیارد دلاری خارجی ایران غیرقابل دسترس باقی می ماند. دیگر بخش های مهم تحریم ها دست نخورده باقی می ماند. از جمله:

۱. تحریم علیه بانک مرکزی ایران و ده ها بانک بزرگ و نهاد مالی دیگر. ۲. تحریم های ثانویه که بر اساس لایحه جامع تحریم های ایران (سیسادا) علیه بانک هایی وضع شده است که با شرکت ها و اشخاص تحریم شده همکاری می کنند. ۳. تحریم کسانی که خدمات دیگر مالی همچون خدمات بیمه به ایران می دهند. ۴. دسترسی محدود به نظام مالی آمریکا. ۵. تحریم بخش های مختلف اقتصاد ایران از جمله کشتی رانی و کشتی سازی. ۶. تحریم سرمایه گذاری های بلند مدت و منع ارائه خدمات فنی به بخش انرژی ایران. ۷. تحریم علیه برنامه نظامی ایران. ۸. محدودیت های گسترده آمریکا برای تجارت با ایران. ۹. کلیه تحریم های شورای امنیت سازمان ملل. ۱۰. همه تحریم های مرتبط با حمایت ایران از تروریسم، نقش بی ثبات کننده اش در بحران سوریه و سوابق بد حقوق بشری اش).

۵- از ابهامات دیگر آن است که در ابتدای گام اول در متن تفاهم نامه آمده است که مدت اجرایی کردن گام اول، ۶ ماه است اما این مدت قابل تمدید است. سوال این است که این مدت برای چند بار قابل تمدید است، آیا طرف غربی به بهانه های گوناگون ما را در همین مرحله -که ما تقریباً کل صنعت هسته ای خود را به حالت تعلیق در آورده ایم- نگه نمی دارد؟ در صورتی که آنها این کار را انجام بدهند، آیا براساس تفاهم نامه می توان به آنها اعتراض کرد؟

۳- گام میانی

این گام به صورت مستقل مطرح نگردیده است بلکه در مقدمه به صورت یک پارگراف ذکر شده است. در این گام تصریح شده است: که میان گام اولیه و گام نهایی باید گامهای اضافی دیگری برداشته شود، در این گامها باید به قطعنامه های شورای امنیت سازمان ملل پرداخته شود تا در مورد موضوع هسته ای به یک نتیجه رضایت بخش نسبت به ملاحظات شورای امنیت منتهی شود.

۱- ایران باید چه کارهایی را انجام دهد تا به صورت رضایت بخش، به نتیجه دلخواه طرف غربی منتهی گردد؟ مبهم گذاشتن آنها -و متأسفانه پذیرش آن به صورت مبهم از سوی مذاکره کنندگان ایرانی- کار را بسیار دشوار خواهد کرد.

۲- مراد از نتیجه رضایت بخش (satisfactory conclusion) چیست؟ قید رضایت بخش یک قید کیفی است و طرف غربی می تواند مدعی شود که اقدامات شما رضایت بخش نبوده است. در این صورت چگونه می توان مشکل را حل کرد؟ روشن است که در کمیسیون مشترک، اگرچه یک طرف آن ایران است اما طرف دیگر آن کشورهای ۵+۱ و اتحادیه اروپا است، یعنی همان کشورهایی که عضو شورای امنیت هستند، طرف دعوی ما می باشند. جلب رضایت آنها چگونه محقق می شود؟ آنچه که از تجربه برخورد کشورهای مستکبر با ملت ایران بدست می آید آنها جز با نابودی تمام امکانات و دانش هسته ای راضی نمی شوند-چنانکه در قضیه تعلیق هسته ای سال ۱۳۸۲ به آن تصریح کرده اند.

۳- اجرای قطعنامه های شورای امنیت (مانند قطعنامه های ۱۷۳۷(۲۰۰۶)، ۱۷۴۷(۲۰۰۷)، ۱۸۰۳(۲۰۰۸)، ۱۸۸۷(۲۰۰۹) و ۱۹۲۹(۲۰۱۰)) به معنای تعلیق همه برنامه هسته ای ایران است. علاوه براین، موضع جمهوری اسلامی ایران در مقابل این قطعنامه ها آن بوده است که شورای امنیت سازمان ملل در دست عده از کشورهای زیاده خواه و مستکبر قرار دارد و با عنایت به اینکه اژانس بین المللی صلح آمیز بودن برنامه هسته ای ایران را اذعان کرده است، صدور چنین قطعنامه هایی غیر قانونی و برخلاف مواد منشور ملل متحد است، اما پذیرش آن در این توافقنامه به معنای آن است که ما چنین قطعنامه هایی را قانونی دانسته و مدعی کشورهای خاص مستکبر را درست می دانیم و از این رو، تعهد کرده ایم که به آنها بپردازیم و آنها را اجرا کنیم.

۴- تاملاتی در عناصر گام نهایی

۱- در اولین بند گام نهایی آمده است که زمان این گام، طولانی است.

اولاً: سوال این است که مقدار این زمان بلند مدت، چه اندازه است؟ وقتی که این سوال از آقای عراقچی در جلسه کمیسیون امنیت ملی مجلس در تاریخ ۱۳۹۲/۹/۵ پرسیده شد، ایشان در جواب گفته اند: «طرف غربی گفته است که این زمان، باید ۲۰ سال باشد، ولی ما اعتراض کردیم، و مقدار ۵ سال را مطرح کردیم، اما آنها نپذیرفتند و گفتند حداقل باید مقدار آن ۲ رقمی باشد.» معنای این سخن آن است که پرونده هسته ای ایران حداقل بیش از ۱۰ سال دیگر عادی خواهد شد و تحریم های اصلی بانکی و نفتی حداقل بیش از ۱۰ سال دیگر باقی خواهد ماند! ثانیاً: چرا همین زمان ۲۰ سال نیز در توافقنامه ذکر نشده است؟ در این زمان، مسئولین آمریکایی زمان ۲۰ سال را مطرح کرده اند، اما با کدام تضمین با عوض شدن مسئولین مذاکره کننده آمریکایی، زمان بیشتری در خواست نگردد؟ ثالثاً: نکته جالب تر اینکه در طول زمان ۲۰ سال صرفاً یک چهارم تحریم ها برداشته خواهد شد، زیرا با عنایت به اینکه به ادعای طرف غربی، تحریم های ایران، چهار دسته است: تحریم های مربوطه به برنامه هسته ای، تحریم های مربوط به حقوق بشر، تحریم های مربوط به سلاح های کشتار جمعی و تحریم های مربوط به دفاع از تروریسم، بدست می آید که بعد از ۲۰ سال مطابق این توافقنامه صرفاً تحریم های مربوط به برنامه هسته ای ایران رفع خواهد شد و بقیه تحریم ها به قوت خود باقی خواهند بود.

۲- چنانکه در بند چهارم گام نهایی آمده است طرف غربی تعهد کرده است که با توافق او و ایران، یک برنامه غنی سازی را با در نظر گرفتن ۸ قید و محدودیت به ایران در طول زمانی مذکور داده شود. در مورد این بند باید توجه کرد:

اولاً: در هیچ جمله ای از این توافقنامه به مسأله حق غنی سازی ایران اذعان و تصریح نشده است. در این توافقنامه ۱۶ بار واژه غنی سازی بکار رفته است که صرفاً ۲ مورد آن - یعنی در مقدمه و نیز گام نهایی- به برنامه غنی سازی با ذکر محدودیت های گوناگون اشاره کرده است. ثانیاً: چنانکه در مقدمه بیان شده است، طرف غربی صرفاً پذیرفته است که ایران یک برنامه غنی سازی داشته باشد، نه اینکه دارای حق غنی سازی باشد. به همین صورت است، یعنی طرف غربی در مذاکرات، صرفاً به ما یک و آن هم یک برنامه غنی سازی را اعطا کرده است که دارای محدودیت های مختلف است. به همین جهت است که بدون هیچ فاصله ای جان کری - وزیر خارجه آمریکا- پس از این توافقنامه به صراحت اعلام کرده است که ما در این توافقنامه به ایران حق غنی سازی نداده ایم. ثالثاً: این یک برنامه غنی سازی نیز با ۸ قید و محدودیت روبرو است. یعنی ایران در زمان محدودی که مورد توافق غربی ها باید قرار گیرد، آزاد نیست که در این یک برنامه غنی سازی مطابق نظر و اندیشه خودش در چارچوب اهداف صلح آمیز عمل کند، بلکه این برنامه را باید در قالب و محدوده تنگ ۸ گانه ای که طرف غربی برای ما در نظر گرفته است، تحت نظارت کامل اژانس انجام دهد، محدودیت هایی مانند سطح غنی سازی، ظرفیت آن، محل انجام آن، وجود نیاز عملی به مواد غنی شده و ... قیودی هستند که طرف غربی برای ما در نظر گرفته و مذاکره کنندگان ایرانی نیز همه آنها را پذیرفته اند. رابعاً: مراد از قیود بیان شده چیست؟ اینکه محل غنی سازی باید مورد توافق طرفین قرار گیرد، به معنای چیست؟ آیا طرف غربی می پذیرد که این محل را ما معین کنیم؟ متأسفانه مذاکره کنندگان ایرانی پذیرفته اند تعیین محل باید با توافق آنها باشد.

خامسا: قید «نیاز عملی» به معنای چیست؟ در این قید تصریح شده است که برنامه غنی سازی ایران در صورتی مجاز است که ایران به موادی که می خواهد غنی کند، نیاز عملی داشته باشد (consistent with practical needs).

مطابق آنچه که آقای عراقچی در طول مذاکرات ژنو-از جمله بعد از مذاکرات ژنو ۱ در جلسه با نمایندگان مجلس در کمیسیون امنیت ملی در تاریخ ۱۳۹۲/۷/۲۸- بیان کرده است، طرف مذاکره کننده غربی، مدعی است که ایران هیچ نیازی به غنی سازی ندارد، زیرا ایران سوخت ۲۰٪ برای رآکتور تهران را به مقدار ۵ سال تولید کرده است، از سوی دیگر، برای سوخت رآکتور ۱۰۰۰ مگاواتی برق بوشهر نیز روسیه تعهد کرده است که تا ۱۰ سال دیگر سوخت آن را تأمین کند. از این رو، چرا ایران ۷ تن ۳،۵٪ تولید کرده است؟

براین اساس، چون تشخیص نیاز عملی به مواد غنی شده باید با توافق ایران و طرف غربی باشد، روشن است طبق ادعای فوق، ایران نیاز به هیچ ماده غنی شده ندارد، و در نتیجه، نمی تواند هیچ گونه برنامه غنی سازی داشته باشد. با این نکته معلوم می شود که چرا طرف غربی انتهای گام اول را معین نکرده است، یعنی اگرچه گام اول ۶ ماه بوده است، اما چون قابل تمدید می باشد، می تواند به گام نهایی وصل شود، یعنی وقتی که طرف مذاکره کننده ایرانی پذیرفته است، که در طول زمانی ۶ ماه برای نمونه، غنی سازی ۲۰٪، آب سنگین و رآکتور اراک و ... را تعلیق کند، این امر تا زمان توافق در گام نهایی طول خواهد کشید و در گام نهایی با مطرح کردن عدم نیاز ایران از سوی طرف غربی، کاملا آنها را از بین خواهد برد. وقتی که این نکته را به آقای عراقچی در جلسه کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس در تاریخ عصر سه شنبه ۱۳۹۲/۹/۱۹ تذکر داده ام و بیان داشته ام که آنها نمی پذیرند که ایران هیچ گونه برنامه غنی سازی داشته باشد، جواب ایشان این بود: «دَرَک که نمی پذیرند، ما به غنی سازی خود ادامه می دهیم و این توافقنامه را نمی پذیریم.»

۳- در بند ۵ آمده است: حل کامل (fully) نگرانی های مربوط به رآکتور اراک، و نیز در بند ۷ آمده است: اجرای کامل (fully) اقدامات شفاف ساز توافق شده و افزایش نظارت. سوال این است که قید fully به چه معناست؟ روشن است که این قید، یک قید کیفی است، نه کمی و از این رو، قابل تفسیرهای گوناگون خواهد بود. آیا داشتن آب سنگین برای اهداف صلح آمیز، موجب نگرانی آنها نخواهد بود؟ نیز اجرای اقدامات شفاف ساز و نظارتی در چه صورتی «کامل» خواهد بود؟ اگر اسامی تمام دانشمندان هسته ای ما، تمام قطعه سازان ما، تمام معادن ما و ... را از ایران خواسته باشند، آیا براساس این توافق باید آن را به دشمنان خود تحویل دهیم؟ بکار بردن واژه های مبهم و قابل تفسیرهای گوناگون در چنین توافقنامه ای -که به نظر می رسد به صورت آگاهانه و عمدی از سوی دشمنان ما در آن گنجانده شده است- مسأله را برای ما بسیار دشوار می کند، و عدم دقت و آگاهی مذاکره کنندگان ایرانی از آنها هزینه بسیار سنگینی را به ملت ایران تحمیل خواهد کرد.

۵- نتیجه نهایی و تاملاتی چند در خصوص آن:

بعد از سالهای متمادی که ایران تقریباً اکثر برنامه صلح آمیز هسته ای خود را به تعلیق درآورده است، قرار است با ایران به عنوان یک کشور عادی عضو ان پی تی مانند دیگر کشورها برخورد شود، این امر اولاً: به معنای پذیرش آن است که پرونده ایران یک پرونده ویژه بوده و با ایران نمی توان از همان ابتدا مانند دیگر کشورها برخورد کرد. ثانیاً: بعد از پذیرش تمام دستورات کشورهای مستکبر و از دست دادن همه توانمندیهای هسته ای و غیر هسته ای کشور، به نقطه اول خواهیم رسید، یعنی همین نقطه ای که الان در آن قرار داریم. مشکل فعلی ما با کشورهای مستکبر در چیست؟ ما عضو ان پی تی هستیم و براساس آن دارای حق غنی سازی برای مقاصد صلح آمیز می باشیم. همین حق روشن و قانونی که غرب آن را نمی پذیرد، آیا بعد از ده ها سال دیگر که ایران در برنامه هسته ای خود ضعیف تر شده است، آن را می پذیرد؟ پاسخ روشن است. اینکه ما خودمان را دارای حق غنی سازی بدانیم و به آن اذعان کنیم، مشکلی را حل نمی کند، مقصود از توافقنامه آن بوده است که طرف غربی به این حق اذعان کند، که متأسفانه در هیچ نقطه ای از آن به این حق، اذعان نکرده است و بلکه برعکس بلافاصله بعد از توافقنامه، جان کری -وزیر خارجه آمریکا- اعلام کرده است که ما هیچ گونه حق غنی سازی برای ایران به رسمیت نشناخته ایم.

نامه مقام معظم رهبری در پاسخ به نامه آقای روحانی

ممکن است اشکال شود چرا مقام معظم رهبری -با وجود اشکالات فراوان موجود در توافقنامه- آن را یک موفقیت و قابل تقدیر و تشکر دانسته اند؟

پاسخ اشکال فوق کاملاً روشن است، زیرا نامه مقام معظم رهبری در پاسخ نامه آقای رئیس جمهور به ایشان بوده است و در این پاسخ تصریح شده است که دستیابی به آنچه مرقوم داشته اید، یک موفقیت است و در خور تقدیر و تشکر. اما اشاره ای به تفاهمنامه نکرده است.

اما آنچه که رئیس جمهور به مقام معظم رهبری نوشته است این است که در این توافقنامه اولاً: حقوق هسته ای ایران به رسمیت شناخته شده است، ثانیاً: حق غنی سازی ملت ایران مورد اذعان قدرتهای جهانی که سالها سعی بر انکار آن داشتند، قرار گرفته است، ثالثاً: خطوط قرمز نظام حفظ شده است و رابعاً: توقف تحریم ها و فروپاشی تحریم های ظالمانه آغاز شده است.

واقعاً اگر ما حقوق هسته ای ایران و حق غنی سازی را بدست آورده و در مقابل نیز تحریم های اصلی را تا حد قابل قبولی از بین برده باشیم این کار یک پیروزی بزرگی است که شایسته تقدیر و تشکر. (و مقام معظم رهبری نیز تأکید کرده است که براساس آنچه که مرقوم داشته اید ما موفقیت بدست آورده ایم و باید از آن تشکر شود). اما آیا ایران در این توافقنامه به آنچه که آقای روحانی مرقوم داشته است، دست یافته است؟ آیا حقوق هسته ای ایران به رسمیت شناخته شده است؟ آیا حق غنی سازی ایران مورد اذعان قرار گرفته و به رسمیت شناخته شده است؟ آیا خطوط قرمز نظام در این مذاکرات و توافقنامه ژنو حفظ شده است؟ آیا دستاوردهای هسته ای ملت ایران در این توافقنامه حفظ شده است؟ آیا سازمان تحریم های اصلی شکاف برداشته است؟